

禮記卷第一

曲禮上第一

曲禮曰毋不敬。禮主於其

形禁止之勿令姦案毋

若思。儼矜莊貌人之坐

言語者君安民哉。此上

不可從。志不可滿。樂不

五高反長展丈反又直

附而近之習其所行也

先子之愛而知其惡憎。

فرهنگ آئین و آداب چین باستان

نویسنده: پنگ لین

ترجمه: احسان دوست محمدی

فرهنگ آئین و آداب چین باستان

نویسنده: پنگ لین

مترجم: احسان دوست محمدی

ویراستار: لیو خوای

سرشناسه : لین، پنگ

Lin, Peng

عنوان و نام پدیدآور : فرهنگ آیین و آداب چین باستان/
نویسنده پنگ لین؛ ویراستار لیو خوای؛ مترجم احسان دوست محمدی.
مشخصات نشر : تهران: کوهسار، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری : ۴۶۳ص.؛ مصور: ۵/۱۴x۵/۲۱سم.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۱۰-۶۵-۲

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

موضوع : چین -- آداب و رسوم و زندگی اجتماعی

China -- Social life and customs

موضوع : چین -- تاریخ -- از آغاز تا ۲۲۱ق.م.

China -- History -- To 221 B. C.

شناسه افزوده : لیو، هویی، ویراستار

Liu, Hui (Editor)

شناسه افزوده : دوست محمدی، احسان، ۱۳۶۵-، مترجم

رده بندی کنگره : ۷۲۱DS

رده بندی دیویی : ۹۵۱

شماره کتابشناسی ملی : ۹۲۰۴۹۴۲

کتابشناسی : فیبا

فرهنگ آیین و آداب چین باستان

نویسنده : پنگ لین

مترجم : احسان دوست محمدی

ویراستار: لیو خوای

چاپ: اول ۱۴۰۲

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

قیمت: ۲۸۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۱۰-۶۵-۲

کلیه حقوق برای مولف محفوظ است



نشر کوهسار

آدرس: خ. انقلاب، خ. دوازده فروردین،

کوچه نوروز، پلاک ۲۵ واحد ۱

تلفن: ۶۶۴۹۴۵۴۱-۶۶۴۱۷۴۲۵

ایمیل: ketabekohsar@yahoo.com

فهرست مطالب

مقدمه ۱۳

فصل اول: منظور از آئین و آداب چیست؟ ۲۳

فصل دوم: کاربرد آئین و آداب ۳۷

فصل سوم: انواع آئین و آداب ۵۷

۱- آئین مبارک ۵۸

۲- آئین نامبارک (شوم) ۶۵

۳- آئین نظامی ۶۹

۴- آئین مهمانی ۷۲

۵- آئین نیک ۷۵

فصل چهارم: عناصر کلیدی در آئین و آداب ۷۹

۱- قالب آئین و آداب ۷۹

۲- مفهوم آئین و آداب ۸۲

- ۳- ابزار و لوازم مورد استفاده در اجرای آئین و آداب ۸۳
- ۴- کلام مناسب مورد استفاده در آئین و آداب ۸۹
- ۵- شرایط ظاهری در هنگام اجرای آئین و آداب ۹۲
- ۶- تفاوت در مقام و موقعیت ۹۷

فصل پنجم: آئین و موسیقی ۱۰۱

- ۱- یک اخلاق و موسیقی ۱۰۳
- ۲- پادشاهان با اخلاق و شکوفایی موسیقی ۱۰۷
- ۳- یکسان بودن اهمیت موسیقی و سیاست ۱۱۰
- ۴- موسیقی از درون و آئین و آداب از بیرون ۱۱۳
- ۵- هدایت و راهنمایی مردم با استفاده از موسیقی ۱۱۷

فصل ششم: اصول کشور ایده آل بر پایه قوانین مربوط به انسان و آسمان ۱۲۳

- ۱- اصول مورد بحث هزارساله ۱۲۴
- ۲- اصول ایده آل کشورداری ۱۲۸
- ۳- هسته اصلی تفکر ارتباط انسان با آسمان ۱۳۲
- ۴- چهار جمع اصول تنوری و عملی ۱۳۷

فصل هفتم: کتاب آئین و آداب (ای لی) ۱۴۳

- ۱- درباره نام کتاب، انتقال آن طی قرون و مسائل مرتبط با زبان زمان باستان و معاصر ۱۴۳
- ۲- نویسنده کتاب و سال تالیف آن ۱۵۰
- ۳- انتقال کتاب آئین و آداب و تحقیقات انجام شده بر روی آن ۱۵۲
- ۴- ارزش کتاب آئین و آداب ۱۵۷

فصل هشتم: کتاب شعائر (لی جی) ۱۶۱

- ۱- شکل گیری کتاب ۱۶۱
- ۲- دسته بندی و نویسنده شعائر ۱۶۶
- ۳- تفکر اومانستی کتاب شعائر ۱۷۲

- ۴- فلسفه و جملات مشهور..... ۱۷۵
- ۵- تاثیر و انتقال کتاب شعائر..... ۱۸۰

فصل نهم: آئین بلوغ، شروع آئین و آداب..... ۱۸۷

- ۱- جزئیات مرتبط با آئین رسیدن به سن بلوغ پسران..... ۱۸۸
- ۲- اهمیت اجرای آئین رسیدن به سن بلوغ پسران..... ۱۹۰
- ۳- لباس و پوشش مورد استفاده در آئین بلوغ..... ۱۹۲
- ۴- لقب انتخاب شده توسط مهمانان ویژه..... ۱۹۶
- ۵- دیدار بزرگ‌ترها بعد از اتمام مراسم..... ۱۹۸
- ۶- آئین رسیدن به بلوغ در جامعه زمان باستان..... ۲۰۱
- ۷- آئین رسیدن به سن بلوغ در دختران (جی لی)..... ۲۰۶

فصل دهم: آئین ازدواج..... ۲۰۹

- ۱- مفهوم ازدواج..... ۲۱۰
- ۲- نامزدی و تشریفات ازدواج..... ۲۱۴
- ۳- به استقبال عروس رفتن..... ۲۱۹
- ۴- مراسم ازدواج..... ۲۲۳
- ۵- به دیدار پدر شوهر و مادر شوهر رفتن..... ۲۲۵
- ۶- چند خصوصیت عروسی در زمان باستان..... ۲۲۷

فصل یازدهم: آئین دیدار..... ۲۳۳

- ۱- صداقت پیش نیاز دیدار افراد محترم..... ۲۳۴
- ۲- حفظ رفت و آمد و بازدید متقابل..... ۲۳۷
- ۳- آئین و قواعد پیچیده معاشرت با پادشاه و ماموران عالی رتبه..... ۲۴۰
- ۴- آئین و آداب دیدار خصوصی ماموران دولتی با پادشاه..... ۲۴۴

فصل دوازدهم: آئین کمانداری..... ۲۴۹

- ۱- اصول کلی..... ۲۵۰

- ۲- ماهیت آئین کمانداری..... ۲۵۹
- ۳- آئین کمانداری روشی برای خودسازی و بازیینی نفس..... ۲۶۲
- ۴- دوری از نزاع و درگیری..... ۲۶۴
- ۵- آئین کمانداری و انتخاب افراد با استعداد..... ۲۶۷
- ۶- کنفوسیوس و آئین کمانداری..... ۲۶۸

فصل سیزدهم: آئین ضیافت..... ۲۷۱

- ۱- لوازم و اشیای مورد استفاده..... ۲۷۲
- ۲- انتخاب محل نشستن و مقام اجتماعی..... ۲۷۴
- ۳- مهمان و میزبان..... ۲۷۵
- ۴- رابطه شاه و وزیر در آئین ضیافت..... ۲۷۸

فصل چهاردهم: آئین و آداب مربوط به دیدار..... ۲۸۱

- ماموران عالی رتبه، پادشاه و اشراف..... ۲۸۱
- ۱- اصول کلی..... ۲۸۲
- ۲- رابطه اجرای آئین و آداب با اخلاق..... ۲۸۷
- ۳- یشم سبز (گوی و جانگ) و اخلاق نیک..... ۲۸۹
- ۴- بازگرداندن یشم، اهمیت آئین و سبک شمردن مادیات..... ۲۹۲
- ۵- انتقال کلام..... ۲۹۴
- ۶- قدیمی‌ترین آئین و آداب مربوط به روابط دیپلماتیک..... ۲۹۶

فصل پانزدهم: لباس مورد استفاده در مراسم خاکسپاری و عزاداری (۱)..... ۲۹۹

- ۱- نزدیکی و نسبت فامیلی..... ۳۰۰
- ۲- رابطه نوع پوشش و نوع نسبت..... ۳۰۳
- ۳- پنج دسته بندی کلی و یازده دسته بندی جزئی مخصوص پوشش..... ۳۰۶
- ۴- اصول مرتبط با انتخاب نوع پوشش..... ۳۱۰

فصل شانزدهم: لباس مورد استفاده در مراسم خاکسپاری و عزاداری (۲)..... ۳۱۵

- ۱- ضخامت و وزن لباس..... ۳۱۵

- ۲- مدت عزاداری..... ۳۲۰
- ۳- خویشاوندان دور و نزدیک..... ۳۲۵
- ۴- لباس مخصوص خویشاوندان و لباس مخصوص غیرخویشاوندان..... ۳۲۶
- ۵- اصولی که در مدت عزاداری باید از آن پیروی کرد..... ۳۲۸
- ۶- آئین مربوط به خاکسپاری و عزاداری در خارج از مرزها..... ۳۳۱

فصل هفدهم: آئین خاکسپاری..... ۳۳۵

- ۱- مرگ طبیعی..... ۳۳۶
- ۲- فراخواندن روح شخص تازه فوت شده..... ۳۳۷
- ۳- تقدیم پیشکش به روح مرده..... ۳۳۸
- ۴- گریه و نسبت افراد..... ۳۴۱
- ۵- اطلاع دادن خبر فوت..... ۳۴۲
- ۶- شستن و پوشاندن مرده..... ۳۴۴
- ۷- اعلامیه ترحیم..... ۳۴۵
- ۸- آئین دومین روز بعد از مرگ..... ۳۴۶
- ۹- مهم‌ترین قسمت آئین خاکسپاری..... ۳۴۸
- ۱۰- حضور پادشاه در مراسم دالبان..... ۳۴۹
- ۱۱- عزاداری..... ۳۵۱
- ۱۲- انتخاب محل و زمان دفن..... ۳۵۳

فصل هجدهم: آئین و آداب بعد از عزاداری..... ۳۵۵

- ۱- کارهای لازم در خانه شخص فوت شده..... ۳۵۶
- ۲- حرکت تابوت..... ۳۵۷
- ۳- انتقال تابوت به معبد نیاکان..... ۳۵۹
- ۴- لوازم همراه تابوت..... ۳۶۰
- ۵- اهدای لوازم مورد استفاده در خاکسپاری..... ۳۶۲
- ۶- قربانی برای الهه راه..... ۳۶۳
- ۷- تقدیم پیشکش به مرده قبل از خاکسپاری..... ۳۶۴

- ۸- حرکت به طرف آرامگاه..... ۳۶۵
- ۹- دفن تابوت..... ۳۶۸
- ۱۰- عزاداری بعد از خاکسپاری..... ۳۷۰

فصل نوزدهم: آئین و آداب مرتبط با آرامش روح..... ۳۷۳

- ۱- انتخاب جایگزین برای شخص فوت شده..... ۳۷۴
- ۲- بین پین..... ۳۷۶
- ۳- خوردن غذاهای پیشکش توسط شخص جایگزین..... ۳۷۷
- ۴- تعداد و مدت زمان اجرا..... ۳۷۹
- ۵- لوح یادبود..... ۳۸۱
- ۶- آئین برکت کوچک، برکت بزرگ و آرامش..... ۳۸۴
- ۷- اصول مربوط به نحوه زندگی در زمان عزادار بودن برای مرگ عزیزان..... ۳۸۷

فصل بیستم: آئین مربوط به قربانی و اهدای پیشکش برای کنفوسیوس..... ۳۹۵

- ۱- حیات، سلوک و نظریات کنفوسیوس..... ۳۹۶
- ۲- کلیات ادای قربانی برای معلم اول (کنفوسیوس)..... ۴۰۰
- ۳- چهار همراه..... ۴۰۶
- ۴- دوازده خردمند..... ۴۰۹
- ۵- خردمندان اولیه و پیروان اولیه کنفوسیوس..... ۴۱۱
- ۶- مفهوم فرهنگی آئین یادبود کنفوسیوس..... ۴۱۲
- ۷- آئین یادبود کنفوسیوس در کره جنوبی امروز..... ۴۱۷

فصل بیست و یکم: آئین و آداب خانواده..... ۴۲۱

- ۱- ضرورت یادگیری آئین و آداب..... ۴۲۲
- ۲- مطالب ثبت شده در کتاب شعائر درباره آئین و آداب خانواده در دوران ماقبل چین..... ۴۲۳
- ۳- کتاب قوانین خانواده یان..... ۴۲۸
- ۴- کتاب آئین و آداب و کتاب قوانین خانواده سی ما گوانگ..... ۴۳۱
- ۵- کتاب آئین و آداب خانواده ژو زه..... ۴۳۵

۶- کتاب آئین و آداب خانواده در کره..... ۴۳۹

فصل بیست و دوم: مکاتبه: آئین قبل از دیدار..... ۴۴۳

۱- قالب نامه..... ۴۴۳

۲- استفاده از القاب محترمانه..... ۴۴۵

۳- لقب متواضعانه..... ۴۴۹

۴- شروع نامه با به کار بردن جمله محترمانه و مناسب..... ۴۵۰

۵- یاد کردن محترمانه از دیگران..... ۴۵۲

۶- رعایت فواصل میان خطوط بسته به مقام شخص..... ۴۵۳

۷- القاب مورد استفاده مابین معلم و شاگرد..... ۴۵۵

۸- نحوه بیان آرزو و امضا کردن..... ۴۵۷

۹- نکات مربوط به نوشتن روی پاکت نامه..... ۴۵۹

سخن آخر..... ۴۶۳

مقدمه

چین مهد آئین و آداب با پیشینه‌ای چند هزار ساله است که آوازه‌اش به اقصی نقاط جهان نیز رسیده است. حدود ۳۰۰۰ سال قبل در سلسله جو، جو گونگ آئین و موسیقی و اداره کشور براساس اصول مربوط به آن را پایه گذاری کرد. بعد از آن کنفوسیوس و هفتاد شاگردش به همراه منسیوس، شوان زه و دیگران این اصول را تکمیل و به ترویج آن پرداختند و این گونه آئین و موسیقی تبدیل به هسته اصلی فرهنگ کنفوسیوس شد. بعد از سلسله هان غربی، کتب آداب و آئین، آئین و آداب جو و شعائر، به عنوان مرجعی در زمینه اصول آئین و آداب در زمان باستان به عنوان دروس اصلی مدارس ملی انتخاب شد و نه تنها جزو کتب کلاسیکی بود که دانشجویان حتما باید آن را می خوانند، بلکه به عنوان معیاری برای تدوین آئین و آداب توسط پادشاهان سلسله های مختلف نیز بود؛ تاثیری که این کتب بر فرهنگ چین گذاشته اند برهمگان آشکار است. همزمان با شکل گیری حلقه فرهنگ کنفوسیوس در شرق آسیا، آئین و موسیقی تبدیل به یکی از

ویژگی‌های مهم تمدن شرق شد. بدون شک، برای شناخت فرهنگ سنتی چین، شناخت آئین و آداب چین ضروری است.

متاسفانه در دوران معاصر، نه تنها به آئین و آداب آن چنان که باید توجه نشده، بلکه بالعکس مورد انواع انتقادهای نیز قرار گرفته است. مواردی که باعث بروز این اتفاق شده اند را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

اول: مسأله ماهیت فرهنگ آئین و آداب است. از نظر عده‌ای، آئین و موسیقی مربوط به دوران فئودالیسم است که سال‌هاست منسوخ شده و هر کس که تلاشی برای ترویج آن بکند برخلاف جریان رایج زمانه حرکت کرده است. نحوه برخورد افراد دوره انقلاب فرهنگی مثل جیانگ چینگ از همه شدیدتر است. آنها با تخریب کنفوسیوس او را طرفدار استقرار مجدد حکومت سلطنتی می‌دانند و می‌گویند او به دنبال برپایی دوباره نظام برده‌داری است.

دوم: آیا آئین و آداب در عصر فعلی ارزشی دارد یا نه. از نظر عده‌ای، شرایط جامعه امروز و نحوه زندگی مردم در مقایسه با دوره‌هایی مثل ماقبل چین و دو هان (هان شرقی و هان غربی) تغییرات بسیار زیادی کرده است و مواردی که در سه آئین (سه کتاب کلاسیک در زمینه آئین و آداب، شامل آئین و آداب، آئین و آداب جو و شعائر) مطرح شده‌اند ذره‌ای به کار زندگی امروز ما نمی‌آید.

فرهنگ هیچ قومی نمی‌تواند در طول اعصار مختلف ثابت و بدون تغییر باقی بماند و تنها باید براساس شرایط زمان، موارد بی‌استفاده را کنار گذاشته و از قسمت‌های ارزشمند آن استفاده کرد. عناصر ارزشمند فرهنگی، معمولا برای مدت طولانی در جریان روده تاریخ زنده می‌مانند و بدون وقفه بر روح و فکر مردم تاثیر می‌گذارند. برای مثال، قرن ششم قبل از میلاد که در آن بزرگانی همچون کنفوسیوس، لائو زه، سوان زه، سقراط،

افلاطون و گوتاما بودا با آثار بزرگ و تاثیر گذاری ظهور کردند به عنوان یکی از دوره‌های کلیدی در تمدن جهان به شمار می‌رود. بعد از گذشت دو هزار سال، آنها مثل همیشه همراه جریان تاریخ هستند و حضورشان را در همه جا می‌توان حس کرد. ما در عصر تکنولوژی حاضر، برای جستجوی حکمت بیشتر اوقات به آن دوران باز می‌گردیم. از این رو باید فرهنگ آئین و موسیقی ترویج شده توسط کنفوسیوس را نیز همین گونه ببینیم.

در دوران معاصر به خاطر ضعف کشور و حمله کشورهای قوی، مردم کشور تحت تاثیر تغییرات زمانه، عقب افتادگی را به پای فرهنگ سنتی نوشتند. هر چند این موضوع، به نظر منطقی می‌آید، ولی در برگیرنده تمام مسائل نیست. پس این گونه تصور کرد که فرد دانا و کتاب دوستی، با جماعتی راهزن روبرو شود، مردم می‌توانند او را سرزنش کنند که چرا شهادت مقابل با راهزنان را نداشته است، اما نمی‌توانند بر او خرده بگیرند که چرا دانا و کتاب خوان است. زمانی باید تاسف فراوان خورد که از آن به بعد فرد دانا و کتاب خوان، مطالعه و یادگیری را رها کرده و به تمرین رزمی بپردازد تا تبدیل به فرد قوی اما بدون فرهنگ شود. جامعه بشری در نهایت وارد دوره‌ای از تمدن خواهد شد که در آن افراد به خودسازی و اصلاح درون بپردازند و با فروتنی و تواضع به یکدیگر احترام بگذارند. به همین خاطر، ما در عین تلاش برای قوی شدن باید فرهنگ خود را شکوفا کنیم؛ زیرا آئین و آداب در نهایت کاربرد جدید خود را پیدا خواهند کرد.

انتقاد افرادی همچون جیانگ چینگ از کنفوسیوس به خاطر طرفداری از استقرار مجدد حکومت سلطنتی، ریشه در انتقاد از جوآن لای دارد و هیچ ریشه و اساس علمی ندارد. آیا کنفوسیوس واقعا دیوانه وار به دنبال استقرار مجدد حکومت سلطنتی بوده است؟ تنها کافی است نگاهی به فصل «کاربرد آئین» در کتاب شعائر بیاندازیم تا به جواب این سوال پی ببریم. از نظر کنفوسیوس جامعه ایده‌آل، جامعه‌ای است که در آن افراد

براساس میزان توانایی‌شان و نه وراثت به مقام‌های دولتی برسند و در تمام کشور عدالت برقرار باشد. او مشوق و الهام بخش هزاران هزار شخص نیکوکار و بلند همت همچون سوان جونگ شُن در طول تاریخ بوده است. آیا هدف کنفوسیوس برقراری دوبارهٔ نظام برده‌داری بوده است؟ یکی از مشخصه‌های اصلی نظام برده‌داری زنده به گور کردن برده‌ها، همراه با ارباب‌شان است، اگر مکتب کنفوسیوس موافق برده‌داری می‌بود باید از زنده به گور کردن انسان‌ها دفاع می‌کرد، اما کافی است فصل «کمانداری» از کتاب شعائر را بخوانیم تا به نتیجه‌ای متفاوت برسیم. یکی از ماموران عالی رتبهٔ کشور چی در وی از دنیا رفت، زن و مسئول خانواده او تصمیم گرفتند که تعدادی انسان را همراه با او زنده به گور کنند، اما برادر کوچک‌ترش با این کار مخالفت کرده و گفت: این کار بر خلاف آئین است. یکی دیگر از اشراف به اسم «چن چیان شی» در زمان مرگ از پسرش خواست که بعد از مرگش دو کنیزش را همراه با او زنده به خاک بسپرد، اما پسرش این کار را نکرد، چون آن را خلاف آئین می‌دانست. خودداری این دو نفر از انجام این کار نشان دهندهٔ آن است که این کار در آئین مجاز نیست. زنده به گور کردن در دورهٔ بهار و پائیز که تفکر اومانیزم در آن به شدت رایج بود، رفته رفته کم شد و معمولاً از مجسمه‌های چوبی که به شکل آدم درست شده بود، استفاده می‌کردند، اما با این وجود کنفوسیوس مخالف آن بود و با ناراحتی گفت: «کسی که برای اولین بار مجسمه‌های چوبی را برای دفن اختراع کرد، حتماً مقطوع‌النسل شده است.» مکتب کنفوسیوس مخالف هر کاری است که خلاف انسانیت باشد. کشور «لو» دچار خشکسالی سختی شد، «پادشاه مُو» دستور داد تا افراد ناقص (که انحراف ستون فقرات داشتند و صورتشان رو به آسمان بود و به آنها وانگ می‌گفتند) را زیر آفتاب نگه دارند (از نظر افراد باستان، آسمان به عنوان دلسوزی برای افراد ناقص تا بینی آنها از آب باران پر نشود- باران فرو نمی‌فرستاد)؛ بعد از آن دستور داد

تا ساحره‌ای که وظیفه دعا کردن را بر عهده داشت، زیر آفتاب نگه دارند. شیان زه در سرزنش پادشاه مُو او را جلاد و پیرو افکار باطل نامید و او را از اجرای این کار وحشیانه و غیرانسانی، منع کرد. مثال‌هایی از این دست در کتاب شعائر فراوان است. مخالفت کنفوسیوس با زنده به گور کردن و خودکامگی در سیاست و طرفداری از محبت و نیکی و عدالت در سیاست، نشان از پیشرفت زمانه و دانش ذاتی بشر دارد. اینکه کنفوسیوس را مروج برده‌داری و طرفدار استقرار مجدد سلطنتی بدانیم، تهمت ناروا و بی‌اساسی بیش نیست.

حال این سوال پیش می‌آید که آیا آئین و موسیقی، ارزش واقعی‌ای دارد؟ جواب ما این است: مسلماً دارد. اول: اینکه، بعد از ده سال آشنفتگی (انقلاب فرهنگی چین در سال ۱۹۶۶-۱۹۷۶) وضعیت اخلاقی مردم افت شدیدی کرد و نه تنها باعث بروز مشکلات بزرگ اجتماعی شد، بلکه به طور مستقیم بر اقتصاد- و یکی از نمونه‌های بارز آن صنعت توریست- تاثیر گذاشت. در واقع صنعت توریست در کشوری با پیشینه چند هزار ساله در زمینه آئین و آداب باید بسیار پیشرفته و قوی باشد، اما بسیاری کارکنان اصناف مختلف حتی در گفتن ده کلمه مودبانه مثل «معذرت می‌خواهم»، «ممنون»، «اشکالی ندارد»، «شما بفرمائید» مشکل دارند، چه برسد به دیگر موارد. هر چند هتل‌های مجلل و لوکس فراوانی ساخته می‌شوند، اما نوع سرویس دهی آنها آه را از نهاد انسان بلند می‌کند. به غیر از این، تعداد چینی‌هایی که در سال‌های اخیر به کشورهای خارجی سفر می‌کنند، روز به روز در حال افزایش است. رفتار دور از ادب بعضی از توریست‌ها، باعث شده تا وجهه ما به عنوان مهد آئین و آداب و کشوری با تمدن باستانی خراب شود. برای تغییر این شرایط، دولت ادب و صداقت را به عنوان یکی از قسمت‌های اصلی از اصول بیست کاراکتری اخلاق شهروندی در نظر گرفت و بازسازی آئین و آداب به نحوی که مناسب با شرایط زمان باشد را در دستور

کار قرار داد. آئین و آداب چین باستان گنجینه‌ای غنی و ارزشمند از تفکرات است که می‌تواند مورد استفاده‌ی ما قرار بگیرد.

دوم: قرن بیست و یکم، قرن فرهنگ است و رقابت بسیاری از کشورها و اقوام با یکدیگر در این حوزه خود را نشان خواهد داد. فرهنگ، مشخصه‌ی ابتدایی یک قوم است، اگر فرهنگ قومی پایدار بماند، آن قوم نیز پایدار خواهد ماند و اگر فرهنگی قومی از بین برود، آن قوم نیز از بین خواهد رفت. از زمان باستان تا به حال، تعداد اقوامی که در اثر نسل‌کشی از بین رفته‌اند بسیار کم و انگشت شمار است، اما برعکس تعداد اقوامی که در اثر از دست دادن و فراموش کردن فرهنگ بومی خود از بین رفته‌اند بسیار فراوان است. تمدن چین، یکی از چهار تمدن بزرگ جهان است و تنها تمدنی است که فرهنگ آن دچار انقطاع و گسستگی نشده است. در قرن پیش رو برای اینکه فرهنگ و تمدن چینی بتواند به صورت مستقل در میان انبوه اقوام جهان بایستد، به یک سری پیش نیاز احتیاج است و آن این است که همزمان با جذب قسمت‌های عالی و ممتاز فرهنگ‌های خارجی، فرهنگ بومی قوی را پایه‌گذاری کنیم. مسلماً این یک کار بزرگ و با اهمیت استراتژیک است. آئین و موسیقی، هسته‌ی اصلی فرهنگ چینی است و توانایی یا عدم توانایی در شکوفایی قسمت‌های نفیس و عالی آن، نقش مهمی در زوال یا شکوفایی فرهنگ بومی دارد.

از مواردی که باعث شرم و خجالت است، این است که آئین و آداب سنتی چین در کشورهایی مثل کره جنوبی و ژاپن حفظ شده و نقش مثبت و سازنده‌ای را در جامعه ایفا می‌کند، اما همین آئین و آداب در مهد خودش با سرعت باور نکردنی در حال فراموشی است. تعداد افرادی که در روابط روزمره از رفتار و گفتار مودبانه استفاده می‌کنند روز به روز در حال کمتر شدن است. عروسی و تولد به عنوان باشکوه‌ترین و مردمی‌ترین مراسم، به شدت در حال غربی شدن و از دست دادن فرم سنتی و قومی خود

است، ولی جشن‌هایی مثل کریسمس و ولنتاین در حال تبدیل شدن به اعیاد مهم جوانان چینی است. اگر اعیاد و مراسم که یکی از مشخصه‌های فرهنگی یک قوم است، تماماً غربی شود، نشان از این دارد که مردم فرهنگ بومی‌شان را رها کرده‌اند و این گونه از بین رفتن فرهنگ بومی نزدیک خواهد بود. در میان نوادگان پادشاه زرد هر کسی که علم و دانش داشته باشد، از این موضوع نگران خواهد شد.

سوم: آئین و موسیقی چین باستان حاوی شگفتی‌های فراوانی است که متأسفانه افراد کمی از آن اطلاع دارند؛ برای مثال می‌توان از آئین کمانداری در دوران ماقبل چین نام برد. آیا در کشور چین با تمدن پنج هزار ساله، روحیه ورزش کردن وجود نداشته است؟ اگر وجود داشته، چه تفاوت‌هایی با یونان باستان دارد؟ این سوالی است که در المپیک ۲۰۰۸ پکن باید به جهانیان پاسخ داده شود. اما در زمان کسب میزبانی رقابت‌ها کسی به این موضوع فکر نکرده بود و مطرح کردن آن در این زمان، باعث ایجاد اضطراب و نگرانی خواهد شد. در واقع، از دوره بهار و پائیز در میان مردم چین مسابقه کمانداری رایج بوده و قوانین و جزئیات کامل آن در فصل «آئین کمانداری» در کتاب آداب و آئین آمده است. این یکی از مسابقات کاملاً رسمی و دارای قوانین ثابت و مشخص بوده است. اما در ارزیابی کمانداران نه تنها خوردن تیر به هدف در نظر گرفته می‌شد، بلکه باید می‌دید آیا حرکات او با ریتم موسیقی نواخته شده، هم آهنگ بوده یا نه؟ به غیر از این، باید مواردی چون فروتنی و تواضع مقابل رقبا و رفتار مناسب با طرف بازنده را هم در نظر می‌گرفت. به طور کلی از کماندار انتظار می‌رود با حفظ تعادل میان جسم و روح، با سلامت، پیشرفت کند. این با نظریه رایج در المپیک یونان باستان که تنها بر قدرت روح تأکید می‌کرد، تفاوت‌هایی دارد و آشکارکننده ویژگی‌های تمدن شرق است. مثال‌هایی از این دست در آئین و آداب باستانی فراوان است که نیاز به تحقیق و بررسی

بیشتر ما دارند. نسل ما، از نزدیک آشفته‌گی دوران انقلاب فرهنگی را لمس کرده و عمیقاً از درد این فاجعهٔ بزرگ فرهنگی، آگاه است. بعد از انقلاب فرهنگی، شهرت و آوازهٔ کنفوسیوس به تدریج به حالت قبل برگشت. شاید بهترین گواه برای اثبات این ادعا این باشد که از سال ۱۹۸۹ به بعد، فدراسیون بین‌المللی کنفوسیوس - که مقر اصلی آن در چین است - هر پنج سال یک بار مراسم یادبودی به همراه سمینار علمی بین‌المللی برای کنفوسیوس برگزار کرده و در هر دوره از این مراسم مسئولان کشوری برای سخنرانی و دیدار با اندیشمندان مطرح، حاضر شده‌اند. بدون شک، آئین و موسیقی از کنفوسیوس و کنفوسیوس از آئین و موسیقی، جدا ناشدنی است و یکی بدون دیگری ناقص است. تأیید کنفوسیوس به منزلهٔ تأیید آئین و آداب است. اما، تأثیرات بد و مخرب جنبش انتقاد از کنفوسیوس که در آن سال‌ها با تمام قدرت در سطح جامعه گسترده شد، هنوز به طور کامل از بین نرفته و ترغیب مردم به شناخت واقعی آئین و آداب، نیازمند تلاش مستمر است.

بیست سال قبل، زمانی که مشغول به تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد بودم، آئین‌شناسی را به عنوان شاخهٔ تحقیقاتی‌ام، انتخاب کردم و هر روز با تمام وجود غرق در مطالعه و تحقیق بر روی سه آئین بودم و در عین لذت و برخورداری از تفکرات عمیق آئین و آداب باستان، اندوه فروانی هم وجودم را فرا می‌گرفت که چرا مردم با این موارد روز به روز ناآشنا‌تر و بیگانه‌تر می‌شوند. به همین خاطر دائم در این فکر بودم که آیا می‌توان با زبان ساده و قابل فهم آئین و آداب چین باستان را به مردم معرفی کرد؟ بعد از مدتی سنجش و آمادگی در بهار سال ۲۰۰۱، درس اختیاری «فرهنگ آئین و آداب چین باستان» را در دانشگاه دایر کردم و برخلاف انتظار، مورد استقبال دانشجویان قرار گرفت. نکتهٔ جالب اینجا بود که در زمان شرکت در جلسهٔ بیستمین سالگرد تاسیس مجله «دانش ادبی و تاریخی» آقای

خو یو مینگ مسئول تحریریه آن زمان مجله به من گفت، در گذشته، متخصصان یک سری مطالب تخصصی در زمینه فرهنگ و تاریخ نوشته‌اند و براساس نظر خوانندگان تنها موضوعی که جای آن در این میان خالی است، آئین و آداب است. او می‌خواست که من انجام این کار را به عهده بگیرم تا خوانندگان بیشتری با آئین و آداب چین آشنا شوند. من هم به خاطر دوره درسی جدیدی که دایر کرده بودم، تصمیم داشتم که مطالب مطرح شده در کلاس را به صورت کتاب در بیاورم و این گونه شد که موضوع را انتخاب کردیم و سرنوشت شکل گیری این کتاب نیز آغاز شد.

تبدیل متون سخت و پیچیده باستانی به متن ساده و قابل فهم برای خواننده کاری بس مشکل است. برای تحقق این امر، در روند تالیف کتاب دائم باید کلمات را سبک و سنگین می‌کردم تا از میان انبوه مطالب پیچیده، مهم‌ترین آنها را برای معرفی پیدا کنم. براساس درخواست بخش تحریریه، هر ماه باید یک فصل را نوشته و به آنها می‌دادم تا این گونه کار سریع‌تر انجام شود. من برای نوشتن هر فصل حداقل یک هفته تا ده روز زمان لازم داشتم، برآستی که بیان سختی این کار در سخن نگنجد. طبق برنامه قرار بود این کتاب سی فصل داشته باشد، اما به خاطر مشغله فراوانی که در تدریس و کارهای تحقیقی داشتم به سختی می‌توانستم به طور مستمر یک سوم یا یک چهارم از وقت‌ام را به این کار اختصاص بدهم، به همین خاطر بعد از دو سال مجبور به متوقف کردن کار شدم، لازم است همین‌جا از خوانندگان عذر خواهی کنم. برای چاپ باقیمانده فصول باید تا فرصت بعدی منتظر ماند.

در طول طبع و نشر قسمت‌هایی از این کتاب، نامه‌های زیادی از خوانندگان به دستم رسید که با محبت فراوان مرا تشویق و راهنمایی کردند. دوستان بخش تحریریه با نهایت دقت و ظرافت بر روی بخش بخش کتاب کار کردند. آقای لوی/یو/ی خو/ مسئول ویراستاری این کتاب،

زحمات فراوانی را در صفحه آرایی، متون مورد استفاده در تصاویر، متحمل شدند، از ایشان کمال تشکر را دارم. دانشجویان کارشناسی ارشدم نیز در تصحیح متن و تهیه تصاویر زحمات زیادی را متحمل شدند که از آنها سپاسگزارم. لازم است در اینجا از همه دست اندرکاران تشکر و قدردانی بکنم.

فصل اول: منظور از آئین و آداب چیست؟

کشور چین مهد آئین و آداب است و فرهنگ باستانی این کشور نیز ریشه در موسیقی و آئین دارد. به همین خاطر بدون صحبت از آئین و آداب نمی‌توانیم از فرهنگ چینی سخنی بگوئیم. اما درباره جایگاهی که آئین و آداب در فرهنگ سنتی چین دارد، نظرات مختلفی وجود دارد. در بعضی از کتاب‌های جامع تاریخی، معمولاً از آئین و آداب به عنوان قوانین و مقرارت باستانی یاد می‌شود و آن را در ردیف روابط افراد جامعه با موقعیت‌های اجتماعی و خانوادگی مختلف با یکدیگر قرار می‌دهند. آقای *چیان مو* استاد نامدار تاریخ در ژولای سال ۱۹۸۳ در گفتگوش با *جری دنرلین* اندیشمند آمریکایی پیرامون خصوصیات فرهنگ چینی و تفاوت‌های آن با فرهنگ غربی از آئین و آداب به عنوان هسته فرهنگ سنتی چین یاد کرد. آقای دنرلین هم که جذب سخنان آقای *چیان* شده

بود یک دوره کلاس فرهنگ چینی را گذراند:

فرهنگ چین توسط اندیشمندان چینی طی قرون متمادی پرورش یافته و همگی این اندیشمندان مورد تأیید جهانیان هستند. تفاوتی که این افراد در مقایسه با اندیشمندان اروپایی دارند، این است که فارغ از اینکه آنها متعلق به کدام ناحیه جغرافیایی باشند، همگی دارای فرهنگ مشابهی هستند. از نقطه نظر غربی‌ها فرهنگ و جغرافیا از یکدیگر جداناپذیرند و زبان و آداب و رسوم هر منطقه‌ای نشان دهنده فرهنگ آن منطقه است. اما از نظر چینی‌ها فرهنگ چیزی جهانی است و مواردی مثل آداب و رسوم و زبان فقط می‌توانند، نشان دهندۀ منطقه جغرافیایی مشخصی باشند. برای درک این تفاوت حتما باید مفهوم «آئین و آداب» را درک کرد. در زبان کشورهای غربی لغتی که مترادف «آئین و آداب» باشد، نداریم. در دنیای چینی‌ها این مفهوم معیار تمامی عادات و رفتارها و نشان دهنده ویژگی و خصوصیت چینی‌هاست. دقیقا به همین خاطر که لغتی مشابه «آئین و آداب» در زبان‌های غربی وجود ندارد، آنها تفاوت میان عادات و رسوم را به عنوان معیاری برای تمایز میان فرهنگ‌های مختلف و فرهنگ را به عنوان مجموعه عادات و رسومی که تحت تاثیر شرایط جغرافیایی شکل گرفته است در نظر می‌گیرند. اگر در پی درک عادات و رسوم مناطق مختلف چین باشی، متوجه می‌شوی که تفاوت زیادی میان آنها وجود دارد. برای مثال حتی عادات و رسوم مردم وو‌شی و د/نگ‌کو با روئنگ شی‌انگ که بعد از جنگ به عنوان معلم در آنجا خدمت می‌کردم با هم فرق دارد. حال این تفاوت میان نقاط دورتر کشور بیشتر و چشمگیرتر است. با این وجود چیزی که همه جا یکسان و مشترک است، «آئین و آداب» است. «آئین و آداب» معیار و میزانی برای خانواده و مدیریت کننده امور خانوادگی؛ همچون ازدواج، مرگ و... و امور اجتماعی است. همچنین «آئین و آداب» به عنوان معیار و استاندارد دولت در اجرای کلیه امور داخلی و خارجی،

روابط با مردم، خدمت سربازی، امضای قرارداد صلح، به ارث بردن مقام و... می باشد. راهی جز این برای درک فرهنگ چین وجود ندارد؛ زیرا فرهنگ چین چیزی متفاوت از عادات و رسوم است.

مفهومی دیگری در فرهنگ چین هست که در فرهنگ غرب وجود ندارد و آن «خاندان» است. می توانید بگویید که خاندان همان خانواده است. «آئین و آداب» می تواند در خانه، گسترده و پخش شود، ولی حتما باید میان خانواده و خاندان تفاوت قائل شد. از طریق خاندان است که اصول روابط اجتماعی از خانواده به اعضای فامیل گسترش پیدا می کند. یک خاندان تنها با پیروی خانواده ها از «آئین و آداب» است که می تواند پابرجا بماند. به عبارت دیگر، خاندان زمانی شکل می گیرد که «آئین و آداب» گسترش پیدا کند و اگر گستره استفاده از «آئین و آداب» را بازهم وسیع تر کنیم، قوم بوجود خواهد آمد. قوم چین نیز از آنجا که تمام مردم چین «آئین و آداب» را به عنوان معیار و اصل روابط اجتماعی در نظر گرفتند، بوجود آمد. زمانی که واقعیت با «آئین و آداب» مغایرت داشته باشد باید ریشه را در شرایط اقتصادی و عادات و رسوم جست؛ زیرا آنها مواردی هستند که باید تغییر کنند.

در آخر آقای چیان به د/نرلین می گوید: «اگر می خواهی فرهنگ چین را درک کنی، باید کمی بالاتر بیایی تا بتوانی قلب چین را ببینی. هسته اصلی طرز فکر چینی «آئین و آداب» است.»

با نگاهی به آثار کلاسیک متوجه می شویم که توضیحات پیروان مکتب کنفوسیوس درباره مفهوم و کاربرد آئین و آداب در متون گوناگون از لایه های متفاوت تشکیل شده است.

اول از همه آئین و آداب چیزی است که انسان را از حیوان متمایز می کند. انسان نیز از حیوان تکامل پیدا کرده به همین خاطر در عین وجود جنبه مشترک تفاوت هایی نیز با آنها دارد. تفاوت میان انسان و حیوان یکی از

مسائلی است که همیشه ذهن افراد را به خود مشغول داشته است. در فصل آئین بلوغ از کتاب شعائر آمده است: «دلیل اینکه انسان، انسان است، چیزی جز آئین و آداب نیست.» در فصل جزئیات مربوط به آئین و آداب مختلف از همین کتاب نیز آمده است: «طوطی هر چند می‌تواند صحبت کند، ولی پرنده‌ای بیش نیست؛ شامپانزه هر چند می‌تواند صحبت کند، ولی حیوانی بیش نیست. حال اگر انسانی چیزی از آئین و آداب نداند، هر چند بتواند صحبت کند، آیا از درون حیوان به حساب نمی‌آید؟ دقیقاً به خاطر اینکه حیوانات اطلاعی از آئین و آداب ندارند است، پدر و پسر همزمان با یک ماده جفت‌گیری می‌کنند. به همین خاطر افراد مقدس، «آئین و آداب» را برای آموزش دادن به ما تدوین کردند تا ما بدانیم که با حیوانات فرق داریم.»

به نظر نویسنده چیزی که انسان و حیوان را از هم متمایز می‌کند نه زبان، بلکه آئین و آداب است. یکی از مثال‌ها برای اثبات این مطلب این است که در حیوانات چیزی به اسم ازدواج وجود ندارد، به همین خاطر پدر و پسر همزمان با یک ماده جفت‌گیری می‌کنند. اما انسان که پیوسته در حال تکامل است، می‌داند که نباید با اعضای خانواده و اقوام خود ازدواج کند، از این رو آئین و آداب مربوط به ازدواج را مقرر کرده است. کونگ/ینگ د/ در دوره تانگ گفته است: «وجود آئین و آداب است که انسان را از حیوان متمایز می‌کند.»

در آغاز، عادات غذایی انسان نیز تفاوتی با حیوانات نداشته است. با وجود ورود به عصر تمدن، عادت غذایی عده‌ای از افراد هنوز خصوصیات حیوانی اش را حفظ کرده است. برخی از آئین و آداب مربوط به غذا خوردن در مکتب کنفوسیوس با محدود کردن عادات غذا خوردن به روش حیوانات ارتباط دارد. در فصل جزئیات مربوط به آئین و آداب مختلف از کتاب شعائر آمده است: «نباید هنگام گرفتن غذا آن را به شکل کوفته فشرده کرد.

نباید ته ماندهٔ غذای در دست را داخل ظرف غذا برگرداند؛ نباید هنگام خوردن سوپ، آن را یک نفس سرکشید؛ در هنگام غذا خوردن، مَلِچ ملوچ نکرد؛ استخوان را با دندان خرد نکرد؛ گوشت و ماهی گاز زده شده را به داخل ظرف برنگرداند؛ گوشت و استخوان را جلوی سگ نیانداخت؛ فقط از بهترین غذای سرمیز استفاده نکرد. برای خنک کردن غذا آن را با دست باد نزد؛ در هنگام خوردن ارزن از قاشق و نه از چاپ استیک استفاده کرد؛ در هنگام خوردن سوپ‌های غلیظ سبزیجات داخل آن را کاملاً جوید؛ با اضافه کردن ادویه، طعم سوپی که میزبان تهیه کرده را تغییر نداد؛ در مقابل دیگران غذای گیر کرده داخل دندان‌ها را درنیاورد؛ با اضافه کردن ادویه طعم گوشتی که میزبان تهیه کرده را تغییر نداد.» همان طور که در این نوشته نیز به آن اشاره شده است، انسان باید به گونه‌ای رفتار کند که با هر حرکتش، شخصیت و میزان خودساختگی‌اش را نشان دهد و «بداند که با حیوان فرق دارد». این آداب واقعی نهفته در آئین مربوط به غذا خوردن است.



تصویر چیان مو

به غیر این، تفاوت میان تمدن و بربریت نیز همین آئین و آداب است. این تفاوتی در سطح بالاتر است و می‌تواند شامل تفاوت میان دو نفر، دو قوم یا دو کشور باشد. کنفوسیوس بزرگ با نوشتن کتاب *بهار و پائیز* درس بزرگی به نسل‌های آینده داده است. از قدیم بحث‌های زیادی دربارهٔ دلیل نگارش این کتاب توسط کنفوسیوس وجود داشته است. برای مثال *هان یوای* در اثر معروف *اش راه اصلی* گفته است: «کنفوسیوس در کتاب *بهار و پائیز* رؤسای ایالاتی که از آئین و آداب قوم «ای» استفاده کنند را جزو قوم «ای» و رؤسای ایالاتی که از آئین و آداب چین استفاده کنند را به عنوان چینی در نظر گرفته است». از نظر او این کتاب تنها به بیان تفاوت قوم «ای» و چین پرداخته و تفاوت این دو قوم نیز چیزی جز تفاوت در آئین و آداب نیست. در آن زمان ایالات زیر نظر رؤسا یا شاهزادگان از اصول امپراطور، پیروی نمی‌کردند و اقوام اطراف که فرهنگ ضعیفی داشتند به سرزمین چین حمله کرده بودند؛ در این شرایط فرهنگ ناپسند بربرها به راحتی توانست بر بسیاری از رؤسای ایالاتی که قدرت حفظ فرهنگ پیشرفته خود را نداشتند، غالب شود. به همین خاطر چنین افرادی را باید جزو قوم «ای» حساب کرد؛ زیرا آنها صلاحیت داشتن فرهنگ پیشرفتهٔ چینی را از دست داده بودند. بر عکس عده‌ای از رؤسا و شاهزادگان قوم «ای» بودند که به خاطر علاقه‌شان به فرهنگ چینی آن را پذیرفته بودند و با آنها همانند دیگر رؤسای چینی رفتار می‌شد. از نظر *هان یوای* آشوب دورهٔ بهار و پائیز در واقع جنگ میان آئین و آداب و تمدن با بربریت بوده و پیروزی هر کدام در این نبرد به معنای حکمرانی بر دیگری بوده است. معمولاً تمام پیشرفت‌های تاریخی بعد از پیروزی تمدن بر بربریت اتفاق افتاده است. اگر با این دید نگاهی به کتاب *تفسیر زو* بیاندازیم به آسانی متوجه می‌شویم که کدام یک از تفسیرهای تاریخی مطابق با آئین و آداب و کدام یک مطابق با آئین و آداب نیستند.

سومین مورد: اینکه، آئین و آداب نمود قانون طبیعت در جامعه بشری است. کنفوسیوس در جواب این سوال/سوآی گونگ که چرا فرد دانا این مقدار به طریق آسمان (قوانین طبیعت) اهمیت می‌دهد؟ می‌گوید: دلیل اهمیت فرد دانا این است که طریق آسمان، همچون حرکت ماه و طلوع و غروب خورشید، هیچگاه از حرکت باز نمی‌ایستد. این است طریق آسمان. گشایش بدون مانع و ابدی بودنش را ببین، این است طریق آسمان. ببین بدون اینکه کاری کند، همه اجزای طبیعت را بوجود می‌آورد، این است طریق آسمان. ببین با وجود بوجود آوردن تمام اجزای طبیعت، کماکان روشن و آشکار است، این است طریق آسمان». روشن کننده زمین، پرورش دهنده اجزای طبیعت و سرمنشاء حیات بشریت؛ روز و شب و فصول با نظم و ترتیب از پی هم می‌آیند، بدون اینکه نیرویی بتواند آنها را متوقف یا برخلاف جهت آن حرکت کند. این است نظر کنفوسیوس درباره طریق آسمان. هستی همیشه وجود داشته و قوانین طبیعت تغییر ناپذیرند، این اصلی کاملاً طبیعی و منطقی است. اگر جامعه بشری می‌خواهد همچون آسمان و زمین پابرجا بماند، باید هم جهت با اصول طبیعت حرکت کرده و از قوانین حاکم بر آن پیروی کند. این سخن که: «چون آسمان تغییر نخواهد کرد، طریقت نیز تغییر نخواهد کرد» بیان کننده این مفهوم است که چه طریق اداره کشور، و چه طریق خودسازی، باید مطابق با طریق آسمان باشد تا بتواند در گذشت زمان پایدار و پابرجا بماند. از نقطه نظر مکتب کنفوسیوس، آئین و آداب راه استفاده و بکارگرفتن طریق آسمان در جامعه بشری است. آئین و آداب تنظیم شده در مکتب کنفوسیوس در تمامی زمینه‌ها مطابق با قوانین طبیعت و طریق آسمان است به همین خاطر توانسته به عنوان ریشه و اساس امور معنوی باشد. در فصل کاربرد آئین و آداب از کتاب شعائر آمده است: «آئین و آداب باید مطابق با اصول آسمان باشد تا بتواند بر روی زمین گسترش پیدا کند و فراگیر شود،

همچنین باید مطابق با شرایط زمان و به نوعی کمک مردم باشد.» در کتاب تفسیر زو در مکالمه مابین جاو جیان و زی د/ شو این گونه آمده است: «آئین و آداب اصل و میزان آسمان و زمین و معیار رفتار مردم است.» زی د/ شو همچنین با جزئیات کامل به توضیح این موضوع می‌پردازد که آئین و آداب چطور با پیروی از قوانین حاکم بر حرکت خورشید، ماه و ستارگان و خصوصیات و ویژگی‌های زمین، شکل گرفته است.



تصویر محوطه ممنوع بنفش در نوشته‌های دوان خوانگ، این دست نوشته مربوط به دوران تانگ متاخر یا دوره پنج سلسله است (اوایل قرن دهم میلادی). از نظر مردم چین باستان، ستارگان آسمان نیز همانند مردم یک جامعه دارای مقام بالا و پائین (شریف و پست) هستند. این موضوع باعث شکل گیری نظریه سه محدوده (سن یوان) در نجوم شده است. براساس این نظریه، ستارگان آسمان به سه محدوده با مرکزیت ستاره قطبی تقسیم می‌شوند. این سه محدوده، محوطه ممنوع بنفش (قصر پادشاه آسمان)، محوطه قصر عالی (دولت و زیر مجموعه‌های کاخ آسمانی) و محوطه بازار آسمانی (محدوده تحت تسلط پادشاه آسمان) نام دارند.

همچنین در اجرای آئین و آداب باید به تفکرات نهفته در آن اهمیت داد و تنها به اجرای یک سری قواعد و اعمال ظاهری و کورکورانه بسنده نکرد. آئین و آداب، حافظ اصول حاکم بر روابط میان افراد و اصل و میزان آسمان و زمین است. در فصل مفهوم موسیقی از کتاب شعائر آمده است: «آئین و آداب، نظم و ترتیب آسمان و زمین است.» در فصل پانزدهمین سال پادشاهی پادشاه ون در کتاب تفسیر زو، به نقل از جی ون آمده است: «آیین و آداب طریقتی برای پیروی و هماهنگی با آسمان است.» همچنین

در فصل شانزدهمین سال پادشاهی پادشاه چانگ از همین کتاب به نقل از شن شوشی آمده است: «آئین و آداب برای هماهنگی با زمان و استفاده مناسب از آن است.»

چهارمین مورد: اینکه آئین و آداب مدیریت کننده نظم و رعایت سلسله مراتب است. در چین باستان آئین و آداب مشخص کننده نوع رابطه میان افراد با مقام‌های اجتماعی متفاوت بود. برای مثال پادشاه باید در بازه‌های زمانی مشخص برای آگاهی از شرایط کشور و نحوه عملکرد مسئولان دولتی از ایالات بازدید می‌کرد، این کار پادشاه را «آئین بازرسی» می‌نامیدند. در فصل اصول پادشاهی از کتاب شعائر آمده است: «پادشاه هر پنج سال یک بار باید برای بازرسی به تمام کشور سفر کند. او بازرسی را از ماه دوم و با سفر به سمت شرق آغاز می‌کرد و در آنجا به کوه تای برای اجرای مراسم قربانی در راه آسمان می‌رفت،... سپس در ماه پنجم به سمت جنوب می‌رفت و پس از بازرسی از منطقه و انجام مراسم لازم از کوه هانگ بازدید می‌کرد،... در ماه هشتم به سمت غرب می‌رفت و پس از بازرسی از منطقه و انجام مراسم لازم از کوه خوآ بازدید می‌کرد،... در ماه یازدهم به سمت شمال می‌رفت و بعد بازرسی از منطقه و انجام مراسم لازم از کوه هینگ بازدید می‌کرد.» روسای ایالات باید به حضور پادشاه برسند و گزارشی از فعالیت‌های خود را به او ارائه کنند. عدم حضور و سرپیچی از ارائه گزارش درباره فعالیت‌های کاری برای اولین بار، منجر به عزل از مقام، برای دومین بار، منجر به توقیف تمامی اموال، و برای بار سوم، منجر به پس گرفتن قشون تحت فرمان او خواهد شد. از این رو می‌گویند که آئین مربوط به حضور یافتن نزد پادشاه برای نشان دادن وفاداری و انجام مسئولیت‌هایی است که وزرا موظف‌اند در حق پادشاه به جای بیاورند. حتی رؤسای ایالات برای حفظ روابط دوستانه باید در بازه‌های زمانی مشخص با هم در تماس باشند. وجود مجموعه این آئین‌ها برای حفظ نظم و ترتیب در یک کشور

پهناور امری است کاملاً لازم و ضروری.

پنجمین مورد: اینکه آئین و آداب، اصول و احکام کشور را تشکیل می‌دهند و همگی این اصول براساس قوانین حاکم بر طبیعت تنظیم شده‌اند. به همین خاطر در میان ستارگان آسمان پادشاه با ستاره قطبی ارتباط دارد (زیرا؛ پادشاه آسمان نیز در ستاره قطبی زندگی می‌کند) و محل زندگی پادشاه نیز شهر ممنوعه بنفش (نام دیگر ستاره قطبی در متون قدیمی زی وی به معنای بنفش می‌باشد) نام دارد. کتاب آئین و آداب جو در طرحی شماتیک براساس چهار فصل بهار، تابستان، پاییز و زمستان و آسمان و زمین، شش وزارت خانه اصلی و برای هر وزارت خانه، شصت زیر مجموعه و سیصد و شصت مقام اداری طراحی کرده است. بعد از دوره سوئی و تانگ این طرح به عنوان ساختار اصلی سازمان‌های دولتی مورد استفاده قرار گرفت. تاثیر آیین و آداب در همه جا مشهود بود و جایی نبود که در آن نقشی نداشته باشد، برای مثال قوانین و مقررات مربوط به وزرات جنگ را آئین و آداب مربوط به جنگ می‌نامیدند و در تمامی امور حتی طراحی ساختمان و... مقام افراد در نظر گرفته می‌شد.

ششمین مورد: اینکه آئین و آداب معیار و استاندارد کلیه روابط اجتماعی است. از نقطه نظر مکتب کنفوسیوس اصولی مثل نیکی، عدالت، فرهنگ و تمدن، عمل، صداقت و ایمان باید در کلیه فعالیت‌های انسان، نمود پیدا کند. به همین دلیل مجموعه اصول اخلاقی و رفتاری در نظر گرفته شده در این مکتب، مثل نحوه پوشیدن لباس در مراسم عزاداری، نحوه رفتار با پدر و مادر، نحوه استفاده از القاب برای افراد مسن‌تر و... را آئین و آداب می‌نامند. مکتب کنفوسیوس اصول اخلاقی را به عنوان منطقی‌ترین اصل در روابط و فعالیت‌های اجتماعی در نظر می‌گیرد. در کتاب شعائر آمده است: «منظور از آئین و آداب، اصول است» آئین و آداب در پی بیان اصول هستند و به راحتی قابل تغییر نیستند». همچنین آئین و آداب اصلی بسیار

مهم و ضروری برای سیاستمداران است. برای مثال در فصل یازدهمین سال پادشاهی پادشاه این در کتاب تفسیرزو آمده است: «آئین و آداب در بردارنده اصول کشورداری است؛ باعث ایجاد ثبات و آرامش در جامعه و نظم و ترتیب در مردم شده، و برای نسل‌های آینده مفید است». همچنین در فصل یازدهمین سال پادشاهی پادشاهی شی از همین کتاب آمده است: «آئین و آداب ستون و پایه کشور است». در فصل بیست و یکمین سال پادشاهی پادشاهی شیانگ از همین کتاب به نقل از شو شیانگ آمده است: «آئین و آداب نیروی محرکه سیاست است». در فصل پانزدهمین سال پادشاهی پادشاهی جاو از همین کتاب به نقل از شو شیانگ نیز آمده است: «آئین و آداب مبنا و اساس رفتار و عملکرد پادشاه است». آئین و آداب ریشه و اساس خودسازی فرد داناست. در فصل سیزدهمین سال پادشاهی پادشاهی چنگ از کتاب تفسیرزو به نقل از مانگ شیان زی آمده است: «آئین و آداب ستون اصلی بدن انسان است». «آئین و آداب» ریشه و اساس تمامی امور و در روابط و فعالیت‌های اجتماعی معیار و استاندارد است برای تشخیص درستی، نادرستی، حق و ناحق بودن. در فصل جزئیات از کتاب شعائر (لی جی) آمده است: «اخلاق، عدالت و نیکی با وجود اینکه ریشه و اساس تمام امور و معیار رفتار و عملکرد مردم هستند، اما بدون همراهی «آئین و آداب»، عملی نخواهند شد. آموزش و اصلاح مردم بدون استفاده از «آئین و آداب» ممکن و عملی نخواهد بود. هیچ بحث و مجادله‌ای بدون دخالت «آئین و آداب»، حل و فصل نخواهد شد. تعیین نحوه رابطه میان پادشاه و وزیر، پدر و فرزند، برادر بزرگتر و کوچکتر، زیردست و مافوق و... نیز بدون در نظر گرفتن «آئین و آداب»، غیر ممکن خواهد بود. وجود «آئین و آداب» است که باعث نزدیکی و صمیمیت بین استاد و شاگرد می‌شود. سلسله مراتب دربار و نظم و ترتیب در ارتش بدون وجود «آئین و آداب»، امکان پذیر نیست. تنها با تکیه بر «آئین و آداب» در اجرای مراسم

عزاداری و قربانی در راه آسمان و نیاکان است که می‌توان خلوص و صداقت خود را نشان داد.

هفتمین مورد: اینکه «آئین و آداب»، روش ارتباط افراد در جامعه است. نحوه خطاب دیگران، نحوه ایستادن، نحوه استقبال و بدرقه دیگران، نحوه آشامیدن در مهمانی و.... همه و همه قواعد تعیین شده توسط «آئین و آداب» است. از نشانه‌های ادب و تربیت این است که رفتار و کردار شخص مطابق با «آئین و آداب» باشد. این موارد حتی شامل استفاده از اصلاحات مودبانه در هنگام نامه نگاری و قبل از دیدار نیز می‌باشد.

مفاهیم و مطالب نهفته در «آئین و آداب» بسیار گسترده و فراوان است به طوری که در کشوری مثل چین که کشور «آئین و آداب» است، کسی نیست که بتواند تعریف ثابت و مشخصی برای آن ارائه کند. برای مثال آقای چیان شوآن یکی از محققان مطرح در این زمینه می‌گوید: «اگر آئین و آداب» را با فرهنگ امروز مقایسه کنیم، مفاهیم آن به مراتب گسترده‌تر و بیشتر خواهد بود به همین خاطر می‌توان گفت: «آئین و آداب» مطالعه‌ای بر روی فرهنگ زمان باستان است. برای مثال با بررسی کتابهای قدیمی در این زمینه مثل *آداب و آئین* (ای لی) و *آئین و آداب جو و شعائر* متوجه می‌شویم که این آثار دربرگیرنده مفاهیم گسترده‌ای چون اصول کشورداری توسط پادشاه و روسای ایالت‌ها، تقسیم بندی کشور، آموزش و پرورش، موسیقی، امور نظامی، قوانین جزایی، قوانین مالیاتی، آئین مربوط به ازدواج، عزاداری، قربانی، نوع پوشش، آداب غذا خوردن، امور مربوط به دربار، کشاورزی، پزشکی، تجارت، پیشگویی، نجوم، تقویم، صنایع دستی و... می‌باشند. به همین خاطر اگر بخواهیم «آئین و آداب» را با فرهنگ به معنای امروزی‌اش مقایسه کنیم به مراتب وسیع‌تر و گسترده‌تر خواهد بود. همان‌طور که در فرهنگ *لغات آئین و آداب* نیز آمده است: «آئین و آداب (شامل شکل‌گیری، اصول و مراسم مربوط که در سه کتاب کلاسیک

در زمینه آئین شناسی آمده است) مطالعه و تحقیقی است بر روی فرهنگ زمان باستان. همان طور که مشخص است، نظر آقای چیان بسیار دقیق و درست است. طبق آمار، تا امروز بیش از دویست نوع تعریف مختلف برای فرهنگ وجود دارد. در عمل آئین و آداب چین، نامی کلی برای فرهنگ مکتب کنفوسیوس است.

فصل دوم: کاربرد آئین و آداب

وقتی صحبت از عادات زندگی در جامعه قدیم مطرح می‌شود، اولین کلمه‌ای که در ذهن افراد تداعی می‌شود، عادات و آداب است. در واقع عادات و آداب دو مفهوم کاملاً متفاوت و جدا از یکدیگرند. معمولاً «آئین و آداب» در میان اشراف رایج بوده است. به همین خاطر گفته‌اند: نباید از مردم عادی انتظار اجرای کامل آئین و آداب را داشت؛ زیرا عادات و رسوم مخصوص مردم عادی است. در واقع رابطه بسیار نزدیکی میان این دو مفهوم وجود دارد. در اینجا برای روشن شدن این مطلب که «منشأ آئین و آداب و عادات و رسوم است» توضیح مختصری می‌دهیم. منظور از عادات و رسوم چیست؟ کتاب توضیح و تفسیر کاراکترها درباره کاراکتر سو (به معنای رسم) این گونه توضیح داده است: منظور از رسم عادات معمول زندگی است. جانگ شوان در دوره هان شرقی این توضیح را کمی کامل‌تر

کرده و گفته است: منظور از رسم، عادات معمول زندگی است که به واسطه عوامل مهمی چون شرایط جغرافیایی، فرهنگی، آب و هوایی و محیط زندگی بوجود می‌آید. زندگی کردن برای مدت طولانی در شرایط متفاوت باعث بوجود آمدن عادات و رسوم متفاوت می‌شود.

فصل نظام پادشاهی از کتاب شعائر عادات و رسوم اقوام مختلف را این گونه شرح می‌دهد: «اقوام ساکن شرق» نام دارند، آنها موهایشان را باز نگه می‌داشتند، روی بدنشان خال کوبی می‌کنند و عده‌ای از آنها غذای پخته نمی‌خورند. اقوام ساکن جنوب نام دارند، آنها بر روی پیشانی‌شان خال کوبی می‌کنند، پاهایشان در هنگام راه رفتن به سمت داخل است و عده‌ای از آنها غذای پخته نمی‌خورند. اقوام ساکن غرب رونگ نام دارند. موهایشان باز است، از پوست حیوانات به عنوان لباس و از گوشت حیوانات و نه از غلات و حبوبات به عنوان غذا استفاده می‌کنند. اقوام ساکن شمال دی نام دارند، آنها از پر حیوانات به عنوان لباس استفاده کرده و در غار زندگی می‌کنند و فقط از گوشت حیوانات و نه از غلات و حبوبات به عنوان غذا استفاده می‌کنند. اقوام ساکن شرق و جنوب به خاطر نزدیکی به دریا از غذاهای خام دریایی استفاده می‌کنند و برای جلوگیری از ظهور اژدهای سیل و طوفان خالکوبی می‌کنند. اقوام غربی به خاطر نبود ابریشم و پارچه از پوست حیوانات به عنوان لباس و به خاطر سردی هوا و نبود شرایط کشت حبوبات از گوشت حیوانات به عنوان غذا استفاده می‌کنند. اقوام شمال نیز به واسطه زیاد بودن تعداد پرندگان از پر آنها به عنوان لباس و به واسطه کمبود جنگل و درخت، از غار به عنوان محل سکونت استفاده می‌کنند. همان طور که می‌بینیم شرایط متفاوت محیطی باعث بوجود آمدن عادات و رسوم مختلف می‌شود. با بررسی کشفیات باستانی متوجه می‌شویم که از دوران عصر حجر جدید لباس، ظروف غذاخوری، نحوه تدفین، ابزار و... مردم مناطق مختلف چین

با یکدیگر کاملاً متفاوت بوده است. یکی از خصوصیات بارز مربوط به عادات و رسوم این دوره، بدوی بودن، بوده است. برای مثال در فرهنگ داون کو (که اولین بار در سال ۱۹۵۹ در روستای باو تو در منطقه نینگ یانگ استان شاندونگ کشف شد و مربوط به ۴۵۰۰ تا ۲۵۰۰ قبل از میلاد است) این رسم وجود داشته که یک جفت از دندان‌های بالا را می‌کشیدند و استخوان قمحوده را به طور دستی به شکل غیر طبیعی در می‌آوردند. همچنین در دهان خانم‌ها یک سنگ گرد وجود داشته که باعث سائیدگی شدید دندان‌های آسیاب، پوسیدگی تاج و ریشه دندان و حتی انحراف دندان‌ها به سمت زبان و در نهایت آتروفی استخوان‌های دندان می‌شده است. به احتمال زیاد این رسم یا به خاطر زیبایی اجرا می‌شده یا با یکی از اعتقادات مذهبی مرتبط بوده است. این یکی از نمونه‌های بارز در زمینه عادات و رسوم مردم زمان باستان است.

همراه با پیشرفت جامعه، عادات و رسوم مناطق مختلف دستخوش تغییرات زیادی شد و مردم، بسیاری از رسوم بدوی که به سلامتی آسیب می‌رساند را کنار گذاشتند و رسوم غیرپیشرفته را جایگزین آنها کردند. همچنین تعدادی از این رسوم در جامعه ریشه دوانده و باقی ماندند و به تأثیرگذاری خود ادامه دادند. در عصر شانگ نیز سائیدگی دندان و رسوم بربری باقیمانده از قدیم- با وجود رسیدن به اوج پیشرفت در تمدن عصر برنج (مفرغ)- کماکان بر روی جامعه سنگینی می‌کرد. دو نمونه بارز در این زمینه وجود دارد که یکی از آنها فال‌گیری قبل از انجام هرکاری بود. رسم فال‌گیری از دوران تمدن لونگ‌شن (مربوط به ۴۰۰۰ سال قبل که آثار آن اولین بار در سال ۱۹۲۸ در شهر لونگ‌شن در استان شاندونگ کشف شد) آغاز و تا هزاران سال ادامه پیدا کرد و نه تنها از بین نرفت، بلکه به یک ابزار مهم برای خاندان/ین برای انحصار قدرت تبدیل شد. دومین مورد زنده به گورکردن افراد زنده، همراه با مرده و کشتن افراد زنده به عنوان قربانی برای

نیاکان بود. جای تردیدی وجود ندارد که رسومی این چنین که از یک جنس هستند، یکی از موانع اصلی پیشرفت جامعه هستند.



تصویر پادشاه زرد (خوانگ دی)

در قرن ۱۱ قبل از میلاد، دودمان/ین با حمله پادشاه «وو» و تاسیس دودمان جو به پایان رسید. بعد از گذشت دو سال پادشاه «وو» از دنیا رفت و جوگونگ که شخصا پادشاه «وو» را در جنگ همراهی و فروپاشی دودمان این را از نزدیک تجربه کرده بود، جانشین او شد. او به عنوان یک سیاستمدار بزرگ و موفق نمی‌توانست به این موضوع فکر نکند که آیا تقدیر آسمان در پشت این اتفاق بزرگ تاریخی نقش اصلی را بازی کرده است؟ دودمان جو چگونه می‌تواند قدرتش را برای مدت طولانی حفظ کند؟ جوگونگ با تجزیه و تحلیل نحوه اداره کشور در دودمان این به این نتیجه رسید که دلیل فروپاشی دودمان این، فراموش کردن و زیر پا گذاشتن اصول اخلاقی بوده است. با این تجربه او تئوری سیاست بر مبنای اخلاق

را برای اداره کشور ارائه داد و برای اطمینان از اجرای آن یک سری قوانین کاملاً جدید تدوین کرد. همچنین در قدم بعدی یک سری اصول درباره نحوه رفتار پادشاه و مسئولان کشور نیز طراحی کرد. این اصول را به طور کلی می‌توان «آئین و آداب» نامید و در واقع تأثیرات این تغییرات انقلابی به مراتب عمیق‌تر از کار پادشاه «وو» بود.

تدوین اصول مربوط به اداره کشور، «آئین و موسیقی» توسط جوگونگ سرآغاز بسیار مهم و تأثیرگذاری در فرهنگ چین بود و پس از تلاش‌ها و کارهای کنفوسیوس و شوآن زه، «آئین و آداب» تبدیل به یک نظام کامل و بزرگ شامل اصول سیاسی و معیارهای اخلاقی شد. «آئین و آداب» دیگر فقط مختص پادشاه نبود، بلکه به معیار و استاندارد برای افراد آگاه و تمامی افراد جامعه تبدیل شده بود.

تغییر عادات و رسوم از تغییر حکومت، هم سخت‌تر و هم پیچیده‌تر است. حال سوال اینجاست که چطور می‌توان این تغییر را ایجاد کرد؟ از نظر مکتب کنفوسیوس این کار با استفاده از قسمت‌هایی از عادات و رسوم موجود که منطقی و درست‌اند و دمیدن روح تازه و تکمیل قسمت‌های ناقص آن به گونه‌ای که مردم با خوشحالی آن را بپذیرند و تحت تأثیر آن قرار بگیرند، قابل انجام است. به همین خاطر در کتاب آئین و آداب جو چند اصل مهم را برای مسئولان اراضی کشور برمی‌شمارد: ۱- تشخیص و تمایز پنج نوع زمین: براساس دانش ژئومورفولوژی (علمی که درباره برجستگی‌های سطح زمین و علل پیدایش آنها بحث می‌کند) زمین‌های کشور را می‌توان به پنج دسته کلی تقسیم کرد: کوهستان و جنگل، رودخانه و جلگه، تپه، دشت و... مردمان ساکن هر یک از این مناطق و محصولات تولید شده آن با یکدیگر تفاوت دارند. این اولین موردی است که مسئولان اجرایی کشور باید بتوانند آن را تشخیص بدهند. ۲- از آنجا که مردم ساکن پنج منطقه به خاطر خصوصیات جغرافیایی مختلف عادات و

رسوم مختلفی نیز دارند، اجرای دوازده مورد آموزشی (همچون آئین و آداب یین و آئین و آداب یانگ و...) را نیز بر اساس این تفاوت‌ها انجام داد. ۳- با حفظ شش رسم قدیمی همچون آئین مربوط به خاکساری گذشتگان و یادبود نیاکان، پوشش قدیمی مردم، روابط میان خواهر و برادر، اتحاد دوستان و... باعث آرامش و آسودگی مردم شد. اجرای این سه اصل پیش نیاز ضروری در آموزش و تعلیم دادن به مردم است. با در نظر گرفتن این موارد به عنوان اصول پایه در تمامی زیر مجموعه‌های دولتی از جمله روستا، ایالت، حزب، خاندان و... مراکز آموزشی و مدرسه تاسیس کرد تا بتوان ایده‌آل‌ها و اصول اخلاقی مکتب کنفوسیوس را در تمامی آئین‌ها (همچون آئین بلوغ، عروسی، دیدار، کمانداری و...) گسترش داد و باعث شد تا مردم با انجام هر یک از آنها احساس شادی و خوشحالی کنند.

همان طور که در بالا هم اشاره شد برای تشخیص مفید یا مضر یک سیاست باید عکس‌العمل مردم را دید. بدون تردید این یک پیشرفت بزرگ تاریخی است. اما احترام به بشر به این معنا نیست که او از بدو تولد بی نقص و کامل است. برعکس انسان هنوز تعدادی از عادات حیوانی اش را در روند تکامل تدریجی حفظ کرده است. بشریت برای پیشرفت باید آگاهانه و با استفاده از آئین و آداب، عادات و رفتار نامتمدان را کنار بگذارد. همان طور که در فصل جزئیات مربوط به آئین و آداب مختلف از کتاب شعائر آمده است: «طوطی هر چند می‌تواند صحبت کند، ولی پرنده‌ای بیش نیست؛ شامپانزه هر چند می‌تواند صحبت کند، ولی حیوانی بیش نیست. حال اگر انسانی چیزی از آئین و آداب نداند هر چند بتواند صحبت کند آیا از درون حیوان به حساب نمی‌آید؟ از آنجا که حیوانات اطلاعی از «آئین و آداب» ندارند، پدر و پسر همزمان با یک ماده جفت‌گیری می‌کنند. به همین خاطر افراد مقدس آئین و آداب را برای آموزش دادن به ما تدوین کردند تا بدانیم که ما با حیوانات فرق داریم.» بشر باید تلاش کند تا عادات

و رفتارهای حیوانی خود را متمدنانه کند.

برای مثال، ازدواج و جفت‌گیری بشر در آغاز، بدون در نظر گرفتن روابط خونی بوده است. تا دوره‌ی جوغریری که قانون تک همسری پایه‌گذاری شد، «زن و مرد در زندگی شخصی و زناشویی‌شان به آزادی‌های بیشتری رسیدند» (یانگ شیانگ کوای - جامعه و آئین و آداب دوره جو - انتشارات خلق، سال ۱۹۹۷) ولی هنوز بقایای چند همسری وجود داشت. برای از بین بردن این نوع رسوم بد و ناپسند، مکتب کنفوسیوس آئین و آداب مربوط به ازدواج از جمله محدودیت در ازدواج فامیلی را پایه‌گذاری کرد. در فصل جزئیات مربوط به آئین و آداب مختلف از کتاب *شعائرآمده* است: «نباید با افراد فامیل ازدواج کرد و در انتخاب متعه (زن دوم) که فامیلی اصلی او مشخص نباشد، باید بعد از فال گرفتن در مورد وصلت تصمیم گرفت.» همان طور که در کتاب *تفسیرزوهم آمده*، چینی‌ها خیلی پیش از این به این اصل پی برده بودند که: «نسل پدر و مادری که ازدواج فامیلی کرده‌اند خوب و شکوفا نخواهد شد.» به همین خاطر قانون عدم ازدواج فامیلی را مطرح کردند.

«آئین و آداب» باید احساسات سالم را در انسان پرورش بدهند. کاربرد «آئین و آداب» ایجاد تعادل در احساساتی چون خشم، شادمانی، اندوه و خوشحالی است، به طوری که در عین استفاده از آنها، آسیبی هم به انسان وارد نشود. به طور مثال از زمان باستان تشییع جنازه و عزاداری جزو قسمت‌های مهم «آئین و آداب» بوده است. انسان در هنگام از دست دادن عزیزانش دچار غم و اندوهی جان‌کاه می‌شود. به همین خاطر دوستان و اطرافیان باید از صمیم قلب با او همدردی کنند و از هیچ کمکی دریغ نکنند. توضیحات مفصل و دقیقی در این زمینه در فصل مربوط به آئین و آداب مختلف از کتاب *شعائرآمده* است: «در صورتی که همسایه مراسم تشییع جنازه داشته باشد، حتی هنگام کاشت برنج هم نباید آواز دست‌جمعی خواند. در صورتی که همسایه در حال آمادگی برای مراسم

خاکسپاری است، برای اظهار همدردی نباید کسی در کوچه و خیابان آواز بخواند. با دیدن چرخ مخصوص حمل تابوت از دور، باید آواز خواندن را قطع کرد. در هنگام مراسم خاکسپاری، نباید خندید. در هنگام ورود به قبرستان، نباید بر روی سنگ قبر پا گذاشت؛ زیرا بی احترامی بسیار شدیدی محسوب می‌شود». مثال‌هایی از این دست فراوان است.

با جمع بندی توضیحات بالا می‌توان به این نتیجه رسید که مکتب کنفوسیوس نمی‌خواهد دولت و جامعه‌ای عینا مشابه دوران این بسازد بلکه می‌خواهد همانند دوران جو جامعه‌ای با مبنای فردگرایی بسازد. آنها برای تحقق گذر با ثبات، از یک طرف می‌خواهند رسوم مناطق مختلف همچون نحوه ساخت خانه، عادات غذایی و پوشش و... را حفظ کنند و از طرف دیگر با استفاده از گسترش آئین و آداب جدید جامعه را به سمت تمدن سوق بدهند. از دوران جو به بعد آئین و موسیقی تبدیل به مشخصه اصلی فرهنگ و تمدن چینی شد و این روند تا بیشتر از دو هزار سال ادامه پیدا کرد.

تمدن چینی از دیرباز در سراسر جهان مشهور و پراوازه بوده و این امر نه به واسطه قدرت نظامی، بلکه به واسطه قدرت نهفته در این تمدن بدست آمده است. هنگامی که نمایندگان دولت ژاپن در دوران تانگ برای تحصیل به چانگ آن چین آمدند، غرق و محصور فرهنگ و تمدن چین شده بودند. آنها بعد از بازگشت به کشورشان در پی استفاده و اجرای فرهنگ و تمدن چین برآمدند تا کشورشان هر چه سریع‌تر بتواند شبیه چین بشود. جای شکی نیست که «آئین و آداب و تمدن چینی» نقشی بسیار کلیدی در تغییر آداب و رسوم بربری و تسریع پیشرفت تمدن در این مناطق داشته است.

تغییرات بزرگی که تمدن دوره باستان چین از عادات و رسوم تا آئین و آداب تجربه کرد، تبدیل به پایه و اساس تمدن چینی و خصوصیات چینی و

تازگی آن شد. این خدمت، کار بزرگی است که نیاکان ما برای فرهنگ بشریت کردند و لازم است که ما بیشتر در مورد آن فکر کنیم.

«آئین و آداب» باید براساس روحیات انسانی تنظیم شوند. هر سیاستمداری در هنگام ارائه نظریات جامعه شناختی برای اینکه نظریه‌اش بیشترین تاثیر و کاربرد را داشته باشد، باید از عمومی‌ترین و کلی‌ترین صفات بشری استفاده کند. پیروان مکتب کنفوسیوس تحقیق و بررسی بر روی نظریه «آئین و آداب» را از تحقیق و بررسی بر روی روش برقراری نظم و آرامش در کشور آغاز می‌کنند. «در صورتی که افراد مسئول در رسیدگی به امور کشور، از اصول پیروی نکنند، مردم نیز از آنها پیروی نخواهند کرد.» «اجرای هر تغییری باید با در نظر گرفتن خواست و رضایت مردم انجام شود، بدست آوردن دل مردم اساس همه امور است.» در کتاب بحثی درباره احترام به اخلاق آمده است: «افراد مقدس در رسیدگی به امور مردم، باید تمام موارد و خصوصیات مرتبط با آنها را در نظر بگیرند. پادشاه یوی در حل مشکل سیل و طغیان رودخانه‌ها، تمامی مشخصات و خصوصیات آب را در نظر گرفت. زائو فو مسئول پرورش اسب سلطنتی باید کارش را با در نظر گرفتن خصوصیات و عادات اسب، و نه اصول تغییر ناپذیر قدیمی انجام دهد. هوجی (شخص مقدسی که کشت و کار را به مردم یاد داد)، کشت و کار را براساس مشخصات و خصوصیات زمین انجام می‌داد. از این رو پیروی و احترام به طریق طبیعت اصل اولیه‌ای است که انسان در ارتباط با تمام اجزای طبیعت باید به آن احترام بگذارد.»

مکتب کنفوسیوس پایه و اساس روش برقراری نظم و آرامش در کشور و ساخت جامعه‌ای هم آهنگ را نه نسبت خونی و اصل و نسب و نه نژاد بلکه پیروی از فطرت انسان می‌داند. منظور از فطرت، مشخصه و صفاتی است که انسان همانند موجودات دیگر مثل آب، اسب و خاک با آن متولد می‌شود. «فطرت تمام موجودات عالم یکی است» و یکی از عمومی‌ترین

صفات بشر است.

پیروان مکتب کنفوسیوس با در نظر گرفتن فطرت انسان به عنوان اساس و شالوده اداره امور کشور، این تئوری را مطرح کرده‌اند: «اساس طریقت، روحیات انسانی و اساس روحیات انسانی فطرت است» و «پایه و اساس آئین و آداب روحیات انسانی است». روحیات انسان نمود بیرونی فطرت هستند. فطرت و روحیات انسانی پشت و روی یک سکه‌اند به همین خاطر اساس طریقت، روحیات انسانی یا همان فطرت است. در توضیح اینکه فطرت چیست؟ در فصل پادشاه ون از کتاب آئین و آداب آمده است: «پنج خصیصه در مردم هست که شامل شادی، خشم، ترس، آرزو و نگرانی است.»

اهمیت و ارزش بالایی که فطرت انسان در مکتب کنفوسیوس دارد به دلیل پیشرفت و توسعه تفکر اومانیستی جو گونگ و کنفوسیوس و افراد بعد از آنهاست. بعد از غلبه پادشاه وو بر خاندان شانگ، فروپاشی خاندان این و ظهور دودمان جو، جوگونگ که از عاقبت خاندان این به دلیل عدم رعایت اخلاق و نیکی، درس گرفته بود با طرح مواردی مثل «اخلاق نیک و احتیاط در مجازات» و اینکه پادشاه و مسئولان کشور باید مردم و نه آب را به عنوان آئینه در نظر بگیرند، اصول اومانیسم (انسان گرایی) را پایه گذاری کرد. کنفوسیوس تفکرات جوگونگ را با ارائه موضوعات جدیدی چون «نیکی» انسان و انسانیت چیزی جز نیکی نیست» «نیکی عشق و محبت به هم نوع است» نظریات جوگونگ را کامل تر کرد. نباید فراموش کرد که انسان، اساس و پایه عشق و محبت به هم نوع است، به همین خاطر باید به سرشت و فطرت انسان احترام گذاشت. در کتاب بحث درباره احترام به اخلاق آمده است: «مردم را می توان هدایت و راهنمایی کرد، ولی نمی توان چیزی را به آنها اجبار و تحمیل کرد»، هدایت پذیری و عدم پذیرش اجبار هر با سرشت انسان در ارتباط است.